

رویکرد فرهنگی اجتماعی به جنگ ایران و عراق

صورتی نو برای شناخت چالش‌های گسترشی فرهنگ دفاع

خسرو شاه‌محمدی*

مقدمه

این مقاله تلاش می‌کند دیدی کلی درباره فرهنگ، فرهنگ دفاع و چالش‌های پیش روی تعریف و گسترش فرهنگ دفاع را با رویکردی اجمالی به جنگ ایران و عراق "طرح" کند. برای یافتنی‌تر کردن هدف مقاله، نکاتی یادآور می‌شود:

۱- اگر پرسش‌ها و دانش‌های پیامد آنها درباره یک موضوع "نوشته" نشود و یا به تعبیری از "ادبیات نوشتاری" برخوردار نگردد، کمتر می‌توان آن را خواند، پرسید، نقد کرد، پرداخت و در نتیجه به پاسخ‌های خلاقانه و کشفیات جدید درباره آن دست یافت. لذا این مقاله "بیان کلیاتی است برای طرح یک موضوع اساسی با هدف اینکه در آینده بدان بیشتر پرداخته شود".

۲- مقاله حاضر الزاماً به دنبال اثبات یا رد فرضیه یا فرضیه‌هایی مربوط به موضوع بحث خود نیست، شاید به دلیل ساختار محتوایی و نگارشش بتوان آن را تماماً یک "مساله" دانست. امید است چنین شیوه‌ای علاقه‌مندان به ویژه پژوهشگران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران راهبردی و مدیران کاربردی این حوزه را به مشغولیت مفید ذهنی وادارد.

۳- پیشینه‌ای با موضوع و هدف خاص این مقاله، یافت نشد. اگرچه توجه به پیشینه‌های علمی (با فرض موجود بودن) بسیار مهم است، لیکن مهمتر آنکه مجموعه فعالیت‌های فرهنگی با هدف فرهنگ‌سازی در کشورها، فاقد پیشینه‌ای با طراحی‌های جامع و مانع راهبردی و کاربردی است^۱ و از این قافله عقب‌نمانده است فرهنگ دفاع که حراست و امنیت مرزهای جغرافیایی سرزمینی، فرهنگ دینی و ملی در گروی آن است.

۴- بنابر آنچه گفته شد، امید است این مقاله با توجه به "کلی بودنش"، روزنه‌ای به سوی موضوعات این چنین باشد، به همین خاطر خالی از کاستی و بی‌نیاز از نقد و پیشنهاد نیست.

طرح مسئله:

بر غنی‌ترین ذخایر انرژی دنیا در خلیج فارس با از پیش‌رو برداشتن بزرگ‌ترین مانع چنین تفکری که در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته است هنوز از آرمان‌های سردمداران امریکا حذف نشده است، نمی‌توان انتظار داشت که خطر برای ایران یک توهم باشد. به دلیل وجود همین خطر هشیاری ضروری است به علاوه هشیاری، آمادگی دفاعی، خصوصاً دفاع مردمی امری اجتناب‌ناپذیر است. دفاع کشور ایران علیه عراق در جنگ تحمیلی هشت ساله، بسیار متکی به حضور و حمایت آحاد مردم آن داشته است. دقت و بررسی وضعیت روانی، فرهنگی و اجتماعی مردم در طول هشت سال جنگ و نیز عوامل و زمینه‌های پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، ما را به نقش مردم در فراز و نشیب دفاع مردمی بیش از پیش واقف خواهد کرد.

جنگ پدیده‌ای اجتماعی است و به دلیل وجود عناصر انسانی درون خود، ویژگی‌های پیچیده‌ای نیز دارد. مجموعه دانش بشری برای شناخت و آگاهی گسترده‌تر و ژرف‌تر از چنین پدیده‌هایی، رویکردهای گوناگون و روش مناسب با اهداف پژوهشگران را پیش روی آنان قرار داده است. اگرچه رویکرد فرهنگی - اجتماعی (با تعبیر کلی اش) به کمک علوم اجتماعی و روانشناسی، شناخت بهتری از پدیده جنگ ایران و عراق به دست خواهد داد، اما پرسش مهم این است که چنین شناختی چه ضرورتی دارد؛ به ویژه آنکه سال‌هاست جنگ ایران و عراق پایان گرفته و "تاریخی" شده است.

به اشاره باید گفت با توجه به اینکه آرزوی جهانی تک‌قطبی به فرمانروایی امریکا و تحقق طرح خاورمیانه بزرگ و تسلط

* پژوهشگر جنگ ایران و عراق

بلکه در حقیقت "سازهای فکری" است که برای توصیف (و توجیه) مجموعه پیچیده‌ای از رفتارها، افکار، عواطف و مصنوعات بشری به کار می‌آید. به نظر این نویسنده، واقعیت نداشتن فرهنگ قابل بحث و بررسی است که در حوصله این مقاله نیست.^۵

۵- فرهنگ سعی در ترغیب، یک شخص برای توجه به برخی چیزهاست.^۶

۶- فرهنگ گستره همه اعتقادات، نگرش‌ها و رفتار فردی و جمعی افراد یک ملت است.^۷

۷- بنابر استنباط این نویسنده: فرهنگ مجموعه نگرش‌ها، بایدها و نبایدهای ناشی از آن است که برای ایجاد رفتار در یک فرد یا افراد یک جامعه نسبت به موضوعی خاص پیشنهاد می‌شود مانند مجموعه فرهنگ اسلامی؛ هرگاه فردی در اثر تجربه و تفکر شخصی و یا در تعامل با جامعه، چنین فرهنگی را برای رفتار خویش برگزیند، این تعریف ناظر به فرهنگ شخصی (مؤثر بر شخصیت فرد) خواهد بود. مانند فرهنگ مسلمان بودن؛ چنانچه گروهی یا همه احاد (تک تک افراد جامعه) چنین فرهنگی را برای رفتار خود بپذیرند، آن فرهنگ جامعه است و به تعبیری جامعه به آن فرهنگ متصف می‌شود مانند جامعه اسلامی.

حال این پرسش مطرح است که آیا تاکنون تعریفی برای دفاع و فرهنگ دفاع به ویژه متکی به فرهنگ اصلی و محوری مردم داشته‌ایم؟

مفهوم محوری فرهنگ دفاع - چالش دوم

مفهوم محوری فرهنگ همیشه روشن نیست. برای مثال فرهنگ مردم ایران، فرهنگ قوم بختیاری، فرهنگ آذری‌ها، فرهنگ قوم عرب، فرهنگ در آئین‌های بومی مثل فرهنگ ازدواج، سوگواری و همچنین فرهنگ خشونت، فرهنگ فقر، فرهنگ تجمل‌گرایی، فرهنگ غرب، فرهنگ شرق، فرهنگ مسلمانی، فرهنگ ایثار و احساس مسئولیت، ناظر به کدام مفهوم فرهنگ است؟^۸ یعنی مفهوم محوری در آنان چیست؟

پس وقتی ما درباره فرهنگ سخن می‌گوییم، شایسته است از خود بپرسیم به کدام مسائل مشخص اشاره داریم؟ وقتی از فرهنگ دفاع به معنای کلی اش و فرهنگ دفاع مقدس به معنای اخص دفاع در جنگ ۸ ساله سخن می‌گوییم مفهوم محوری مورد نظر کدام است؟

شناخت فرهنگی - اجتماعی از جنگ ایران و عراق، مفهومی کلی و تعریف نشده است، مفهومی بدون عناصر و شاخص‌های معین که قابلیت بررسی، تجزیه و تحلیل داشته باشد. لذا پرسش کارکردی‌تر این است که "دفاع مردم ایران در جنگ هشت ساله با عراق چه ویژگی‌ها، عناصر، شاخص‌ها و نمادهایی داشت که شناخت از آنها می‌تواند الگویی برای فرهنگ دفاع در مقابله با هر حمله و تهاجمی فراهم کند؟" پاسخ به چنین پرسشی مستلزم توجه به ملاحظات، داده‌ها، داشته‌ها، چالش‌ها و ابزارهایی است که هم‌اکنون فاقد آن هستیم.

چالش‌ها

عنوان چالش‌ها، ناظر به مسائل و موضوعاتی است که غفلت از آن، مانع از گسترش عناصر، شاخص‌ها و نمادهای فرهنگ دفاع در اجتماع مردم ایران خواهد شد. در این مبحث چالش‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

اول: چالش‌هایی که مربوط است به تعریف، مفهوم و جنبه‌های فرهنگ.

دوم: ابزارهایی نرم‌افزاری که نبودشان موجب چالش شده و یا خواهد شد.

چالش‌های گروه اول

تعریف فرهنگ دفاع - چالش اول

اگرچه برای فرهنگ برخی ۱۵۰، برخی ۳۰۰ و برخی ۴۰۰ تعریف برشمرده‌اند. لکن در این قسمت به تعاریفی می‌پردازیم که هدف مقاله را ملموس‌تر خواهد کرد.

۱- رایج‌ترین و پذیرفته‌ترین آن تعریف تایلور است: مجموعه مدغم و منتظمی از دانش‌ها، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قوانین، عادات، آداب و بسیاری از چیزهای دیگر که انسان به عنوان عضو جامعه از جامعه کسب می‌کند.^۲

۲- مجموعه عقاید و ارزش‌هایی که در گروه‌های اجتماعی وجود دارند و تجسم عینی همراه با مادی کردن آنها در قالب ابزار و کارهای هنری.^۳

۳- سیستمی که از بینش‌ها و ارزش‌ها به وجود آمده و به افراد یک جامعه و اعضا و طبقات و کاست‌های مختلف، نوعی معیار یکسان برای ارزش‌گذاری رفتار تا ایجاد نظم در روابط استثنایی، عرضه می‌کنند.^۴

۴- فرهنگ مفهومی است که در خارج از ذهن واقعیت ندارد،

اگر چه رویکرد فرهنگی اجتماعی (با تعبیر کلی اش) به کمک علوم اجتماعی و روانشناسی، شناخت بهتری از پدیده جنگ ایران و عراق به دست خواهد داد، اما پرسش مهم این است که چنین شناختی چه ضرورتی دارد؛ به ویژه آنکه سال‌هاست جنگ ایران و عراق پایان گرفته و "تاریخی" شده است

حوزه جغرافیای فرهنگ دفاع - چالش سوم

گفته شده، مفهوم فرهنگ در چارچوب تاریخی مشخص با رویکردی ملی‌گرایانه به عنوان نیروی وحدت‌بخش و همگن‌ساز که در نهایت از حکومت حمایت خواهد کرد، پدید آمده است. ادعای وحدت برای فرهنگ بنیادین کشور، در مشروعیت بخشیدن و تقویت حکومت کارساز است. با گرامی داشتن آرمان‌های مشترک ملی و دید مشترک از زندگی، اختلاف درونی تضعیف می‌شوند. فرهنگ در اینجا به منزله پیوند مردم درون یک واحد سیاسی عمل می‌کند.^۹ همچنین گفته شده حوزه فرهنگی ناظر به دو منطقه در یک سرزمین است که با وجود تفاوت‌های بین خود، از نقاط مشترک و ترکیب‌های فرهنگی مشابه فراوانی برخوردارند که هرگز این تشابه بین دو منطقه از سرزمین یا دو قاره مختلف دیده نمی‌شود.^{۱۰}

در همین حال می‌دانیم که هیچ فرهنگی محصور به یک سرزمین نیست، یک فرهنگ جزیره‌ای مجزا از فرهنگ‌های دیگر نیست. روابط افراد دو جامعه، فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تحولات اخیر در مبادله اطلاعات، فرهنگ‌ها را با شتاب و عمق بیشتری نسبت به گذشته تحت تأثیر قرار داده است.

همچنین می‌دانیم بسیاری از جوامع پذیرای فرهنگی هستند که هم‌اکنون در حصر هیچ مرز جغرافیایی نیستند، مانند فرهنگ دینی در جامعه مسلمانان جهان، فرهنگ درمان

انسان‌های بیمار در جامعه پزشکان بدون مرز، فرهنگ احترام به قهرمانان ورزشی فارغ از دین، ملیت، آیین و رفتار شخصی به هنجار یا ناهنجار آنان. در هر حال پاسخ به این پرسش که جغرافیای فرهنگ کجاست و چه مرزی دارد؟ می‌تواند پاسخ به این پرسش را نیز فراهم کند که از چه باید دفاع کرد؟

عناصر و ترکیب‌های فرهنگ دفاع - چالش چهارم

کوچک‌ترین موضوع و واحد قابل تعریف و تشخیص فرهنگ را "عناصر فرهنگ" و چند عنصر هماهنگ و متناسب و همراه را "ترکیب فرهنگی" و مجموع ترکیب‌های فرهنگی را که در یک منطقه دارای شکل محدود و متمایز است "حوزه فرهنگی" می‌گویند.^{۱۱}

بنابر برداشت نویسنده این مقاله از نظریه مردم‌شناسان، می‌توان مناسب حج را یک ترکیب فرهنگی تلقی کرد که از عناصری چون نیت، لباس احرام، طواف، نماز خاص، سعی صفا و مروه، قربانی در منی و غیره تشکیل شده است. ما وقتی درباره فرهنگ ایرانی یا فرهنگ دفاع سخن می‌گوییم چه عناصر یا ترکیب‌هایی را مد نظر داریم؟ وقتی می‌گوییم فرهنگ ایثار، فرهنگ شجاعت، فرهنگ تلاش و پرکاری، آیا برای آنان عناصر، شاخص‌ها و نمادهایی در نظر گرفته و تشخیص داده‌ایم که بتوانیم با بررسی آنها در "فرهنگ دفاع مقدس" جستجو کنیم و سپس از آن‌ها کوی برای "فرهنگ دفاع مردمی" استخراج نماییم؟

تبادل فرهنگی - چالش پنجم

همان‌طور که قبلاً گفته شد هیچ فرهنگی جزیره‌ای نیست، یا به تعبیری هیچ فرهنگی در مقابل فرهنگ دیگران آب‌بندی نشده است. همه فرهنگ‌ها در رابطه با یکدیگر تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. بررسی‌ها نشان داده است، میزان بالایی از واردات خارجی درون هر فرهنگ وجود دارد که به مرور زمان ممکن است جزئی از خود فرهنگ شوند.^{۱۲} اگرچه این تبادل هم در جنبه‌های مثبت فرهنگ کارکرد دارد و هم در جنبه منفی ولی روزه قابل نفوذی است برای انتقال فرهنگ‌هایی که می‌تواند فرهنگ دفاع را دستخوش چالش‌های جدیدتری کند. به همین دلیل امکان تبادل فرهنگی، دشمنان برای تهاجم به هر کشوری، فرهنگ آن کشور را بهترین بستر برای اجرای اهداف خود می‌دانند و پیش از هر اقدام نظامی در مرزهای جغرافیایی، به مرزهای فرهنگی آن

برگزیده‌اند، مقاومت می‌کنند. این امکان پذیرفتن يك فرهنگ که به تعبیر روانشناسان اجتماعی عمدتاً از طریق "حوزه پذیرش" فرد به آحاد جامعه وارد می‌شود و نیز مقاومت در برابر پذیرش يك فرهنگ، شامل هر فرهنگی از جمله فرهنگ دفاع نیز می‌شود. در این صورت می‌پرسیم حوزه پذیرش فرهنگ دفاع در مردم ایران کجاست و حوزه مقاومت آن در برابر چنین فرهنگی چیست؟ بررسی داده‌ها و داشته‌های جنگ ایران و عراق که به صورت اکتشافی باید به دست آید ما را قادر به شناخت چنین حوزه‌هایی خواهد کرد.

جهانی شدن ناشی از تبادل فرهنگی - چالش هشتم

جهانی شدن را اگرچه می‌توان بدبینانه، نوعی تهاجم فرهنگی تلقی کرد، اما از منظر تبادل فرهنگی نیز که بررسی شود، پیامدهایی خواهد داشت که دولت‌ها را با چالش‌های جدی در دفاع از "ملت" و "هویت ملی" مواجه خواهد کرد.

جهانی شدن در صدد بنای طرح تازه‌ای از امنیت است که مهم‌ترین تحول پیامد آن بی‌اعتبارسازی الگوی "دولت کشوری" و تأسیس جامعه‌ای به هم پیوسته (society United) به بزرگی جهان می‌باشد و از آن به جامعه جهانی (Global society) و از اعضای آن به شهروندان جهانی (Global Citizenship) یاد می‌شود.

درك پیامدهای امنیتی از این جامعه جهانی مهم است، بر این اساس جهانی شدن چارچوب "ملی" را که ثبات و استقرار بسیاری از نظام‌ها مبتنی بر آن است، به مبارزه می‌طلبد و همین امر می‌تواند نویدبخش موج توفنده‌ای از ناامنی برای این گروه از واحدهای سیاسی باشد.^{۱۵}

دقت و بررسی وضعیت روانی،

فرهنگی و اجتماعی مردم در طول

هشت سال جنگ و نیز عوامل

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای

امنیت سازمان ملل، ما را به نقش

مردم در فراز و نشیب دفاع مردمی

بیش از پیش واقف خواهد کرد

یورش می‌کنند.^{۱۲}

سیال بودن فرهنگ - چالش ششم

فرهنگ ماهیتی سیال دارد، ثابت و لا یتغیر نیست، دائماً در جریان است، فرهنگ‌ها برای باقی ماندن نیازمند تغییر دائمی‌اند، اگرچه فرآیند آنها محسوس نباشد. تحقیقات نشان داده است که مردم وقتی فرهنگی (سننی) برایشان مبهم به نظر برسد آن را پاک‌سازی می‌کنند یعنی دوباره تفسیر می‌کنند تا برای شرایطی که در آن هستند قابل درک و استفاده شود. می‌توان سنت خواستگاری و تعیین مهریه را از جمله شواهد این ویژگی فرهنگ بدانیم.^{۱۴} پرسش این است که فرهنگ جهاد و دفاع، فرهنگ ایثار و فرهنگ‌های دیگری که در مجموعه کلی فرهنگ "دفاع مقدس" تجلی پیدا کرد چه تعداد، به چه میزان و به چه شکل و صورتی اکنون باقی مانده است؟ و برای اینکه بتوان آنها را به فرهنگی پایدار اما با مصادیق روزآمد تبدیل نمود چه باید کرد؟

انتخابی بودن فرهنگ - چالش هفتم

اگر چه هر فرهنگی می‌تواند برخلاف خواسته افراد جامعه کم‌کم، به تدریج و در گستره زمان در مردم نفوذ کند، اما وجه انتخابی آن به قدری مؤثر است که می‌توان پذیرفتن بسیاری از فرهنگ‌ها به وسیله مردم را در جامعه مشاهده کرد. بسیاری از مردم در پذیرش برخی فرهنگ‌ها مقاومت می‌کنند، آن‌چنان که می‌بینیم بسیاری از جوانان فرهنگ و سنن گذشته را نمی‌پذیرند و نیز بسیاری از افراد مسن‌تر جامعه در برابر برخی فرهنگ و آدابی که گروهی از جوانان برای خود

۲- ایجاد احساس تعلق گروهی و خودآگاهی جمعی دادن
هویت فرهنگی خاص به اعضا؛

۴- حفظ و تداوم بقای تاریخی جامعه؛

۵- ایجاد و حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی.^{۱۶}

باید توجه داشت ناامنی شغلی و جانی، محرومیت از برخی
منافع اقتصادی و اجتماعی ملی، احساس مظلومیت در
مشکلات حقوقی و قضایی و مسائلی از این دست که احساس
تعلق فرد به جامعه، فرهنگ و مرز جغرافیای سرزمین را کاهش
می‌دهد می‌تواند احساس مسئولیت فرد را تحت تأثیر قرار دهد
و از وی در برابر تهاجم و حمله، یک "ناظر بی‌طرف" بسازد. در
این صورت فرد نه تنها خود فاقد فرهنگ دفاع است بلکه
می‌تواند به عنوان عنصری ناراضی در کاهش انگیزه فردی
دفاع و در نتیجه جمعی فرهنگ دفاع مؤثر باشد.

فرهنگ دفاع به منزله یک خرده فرهنگ - چالش دهم

خرده فرهنگ به این معنا که فرهنگ خاص مورد انتخاب
افراد خاص به تشکیل گروه‌های خاص منجر می‌شود،
چالش مهمی برای فرهنگ دفاع خواهد بود. انحصاری کردن
فرهنگ دفاع در یک گروه خاص با عناوینی چون مدافعان،
مبلغان دفاع مقدس، پرهیز دادن دیگر افراد جامعه برای ورود
به مباحث مربوط به آن، بی‌توجه (به تعبیری بی‌غیرت) دانستن
برخی از افراد نسبت به غرور ملی و دینی، کم‌انگاشتن
انگیزه‌های دیگر آحاد مردم می‌تواند فرهنگ دفاع را به یک
خرده فرهنگ و منحصر در برخی افراد و نهادهای خاص کند،
چنین اتفاق ناگواری قطعاً در کاهش انگیزه افراد برای دفاع

به نظر نویسنده این مقاله، از جمله فرهنگ‌های خاص که
به دنبال مجموعه فرهنگ جهانی شدن می‌تواند برای هر
کشوری چالش آفرین باشد، احساس جهان‌وطنی است؛ بدین
معنا که افراد یا هر یک از افراد ملت بر این باور باشند که
می‌توانند در هر گوشه از جهان حتی کشوری که می‌تواند
متخاصم باشد وطن اختیار کنند، در آنجا مشغول به کار و
تحصیل شوند، همسر برگزینند و نسل‌های آینده خود را تولید
و تربیت کنند. در این حالت می‌توان توقع داشت در صورت
بروز درگیری سیاسی نظامی با هر کشوری، آستانه انگیزه و
تحریک برای دفاع بالا رود و فرد هیچ نقش دفاعی برای خود
قائل نشود. در چنین وضعیتی صرفاً آراء فرهنگی با عنوان
فرهنگ دفاع بدون توجه به سایر فرهنگ‌های خاص پیوسته به
آن آیا می‌تواند مورد پذیرش جامعه باشد؟ آیا تمهیدی برای
شناخت فرهنگ خاصی پیوسته به فرهنگ دفاع وجود دارد؟
باید آگاه بود که پیشگیری از ورود فرهنگ جهانی شدن، امری
نشدنی است، پس باید تدبیری اندیشید که این تبادل از حد اکثر
سود و کمترین زیان برای فرهنگ و هویت ملی و دینی برخوردار
باشد.

بی‌توجهی به برخی کارکردهای فرهنگ - چالش نهم

نظام فرهنگی، کارکردهایی دارد که شامل تأمین نیازهای
درونی و بیرونی انسان است تا زندگی را امنیت و تداوم بخشد.
خلاصه کارکردهای نظام فرهنگی عبارت است از:

۱- تأمین نیاز فیزیولوژیک؛

۲- ایجاد ارتباط جمعی؛

اجتماعات، پیشه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه را حمایت و تشویق می‌کند. بیشتر فعالیت‌های انسان‌ها اگر چه بیرون از قلمرو عملکرد حکومت است ولی هنجارها و نهادهای حکومتی آنها را تنظیم می‌کند.

حکومت خوب به معنای وضع قوانین و ایجاد فضاهایی است که در آن خواسته‌ها و منافع گوناگون (و غالباً دارای هدف‌های متضاد) بیان شود و مذاکره و تحقق خواسته‌ها امکان‌پذیر باشد.^{۱۷}

با توجه به این بیان و بیان‌های دیگری درباره وظایف حکومت‌ها می‌توان دریافت که تلاش هر چه بیشتر حکومت‌ها به منظور انجام این وظایف برای تأمین منافع افراد موجب ایجاد همکوشی (Synergy) و توافق و رضایت متقابل بین حکومت و ملت می‌شود و در صورت عملی نشدن چنین وظایفی، می‌توان چشم‌انتظار شکاف میان حکومت و ملت بود و تحقیقاً چنین اتفاقی می‌تواند تأثیری منفی بر فرهنگ دفاع مردمی داشته باشد.

چالش‌های گروه دوم

اولین چالش: نبود راهبرد در گسترش فرهنگ دفاع تا هنگامی که فاقد برنامه‌ای راهبردی برای تعریف، هدف، موضوع، زمان و حوزه گسترش برای فرهنگ دفاع هستیم، قادر نخواهیم بود کلیه نهادهای فرهنگی مرتبط را ساماندهی و برای آنان تعیین وظایف کرد. در چنین شرایطی عموماً چون اهداف نهادها "خود تعریف" هستند نمی‌توان توقع داشت که

از "ملت و ملیت" که بیشترین آن متصف به ویژگی‌های جمهوری اسلامی است بسیار مؤثر و امری بسیار زیان‌آور و مردم‌گریز است و این نتیجه‌ای جز مهجور شدن فرهنگ دفاع و احیاناً کسانی که خود را تنها مدافعان آن می‌دانند در پی ندارد.

بررسی "دفاع مقدس" با رویکرد فرهنگی و اجتماعی ما را متقاعد می‌سازد که بسیاری از شرکت‌کنندگان در آن جهاد دفاعی، بیشترین تحولات فکری، دینی و معنوی خود را در آن عرصه به دست آوردند تا آنجا که رهبر فقید انقلاب اسلامی آن عرصه را دانشگاه خواندند. بررسی عکس‌ها و فیلم‌های دوران دفاع به ویژه سال‌های اولین، حکایت از تفاوت تیپ‌های (شکل) ظاهری افراد با تیپ‌های ظاهری سال‌های واپسین است. این از ویژگی‌های خاص فرهنگ دفاع مقدس است که متأثر از فرهنگ اسلامی می‌توانست ارزش‌ها، هنجارها، اخلاقیات و معنویات افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد. علاوه بر آن غرور ملی از جمله انگیزه‌های بسیاری از آحاد مردم در حمایت‌های مالی از دفاع هشت ساله بوده است.

در هر صورت این چالش و زیان بزرگی است که فرهنگ دفاع و هر فرهنگی که نماد فرهنگ دفاع است (مانند فرهنگ بسیجی) با منحصر کردن آن در گروه‌هایی خاص، به خرده فرهنگ تبدیل شود.

شکاف حکومت ملت و فرهنگ دفاع - چالش یازدهم

وظیفه دولت فراهم آوردن محیطی توان‌بخش است که ایجاد شکل‌های چندگانه فعالیت‌های انسان، افراد، خانواده‌ها،

فرهنگ مجموعه نگرش‌ها، بایدها و نبایدهای ناشی از آن است که برای ایجاد رفتار در یک فرد یا افراد یک جامعه نسبت به موضوعی خاص پیشنهاد می‌شود مانند مجموعه فرهنگ اسلامی؛ هرگاه فردی در اثر تجربه و تفکر شخصی و یا در تعامل با جامعه، چنین فرهنگی را برای رفتار خویش برگزیند، این تعریف ناظر به فرهنگ شخصی (مؤثر بر شخصیت فرد) خواهد بود، مانند فرهنگ مسلمان بودن؛ چنانچه گروهی یا همه آحاد (تک تک افراد جامعه) چنین فرهنگی را برای رفتار خود بپذیرند، آن فرهنگ جامعه است و به تعبیری جامعه به آن فرهنگ متصف می‌شود مانند جامعه اسلامی.

مفهوم محوری فرهنگ همیشه روشن نیست.

وقتی ما درباره فرهنگ سخن می‌گوییم، شایسته است از خود پرسیم به کدام مسائل مشخص اشاره داریم؟ وقتی از فرهنگ دفاع به معنای کلی‌اش و فرهنگ دفاع مقدس به معنای اخص دفاع در جنگ ۸ ساله سخن می‌گوییم مفهوم محوری مورد نظر کدام است؟

بخش عمده تقسیم می‌شوند:

۱- اخبار و اطلاعات مندرج در روزنامه‌ها و نشریات یا منعکس شده از صدا و سیما. این منابع اطلاعات مربوط به مباحث گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در دوره جنگ ایران و عراق را در خود جای داده‌اند. این منابع اگرچه بسیار ارزش مطالعه و بررسی را دارند اما به دو دلیل کار پژوهشی خصوصاً در حوزه فرهنگی و اجتماعی با مشکلات فراوان مواجه خواهد بود:

الف) نبود اطلاعات اساسی‌تر و محرمانه‌تر در آنها که غالباً با اتکا به این نوع اطلاعات می‌توان وضعیت، خصوصیات و ویژگی‌های یک پدیده را واقع‌بینانه‌تر شناسایی و بررسی کرد. ب) هیچ‌گونه دسته‌بندی موضوعی یا کلید واژه‌ای درباره اطلاعات آنان انجام نشده است، لذا دستیابی به آنها به سادگی انجام نخواهد شد.

۲- آثاری که گرایش موضوعی آنان مباحث سیاسی نظامی است و بیشتر از سوی نهادها و سازمان‌های وابسته به دولت (سازمان‌های رسمی) منتشر شده‌اند مانند تولیدات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه و ارتش جمهوری اسلامی؛ اهداف تعریف شده این‌گونه مکتوبات و آثار بر تهیه، تنظیم و تحلیل جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی جنگ ایران و عراق، استوار نیست.

۳- آثاری که بیشتر به خاطرات، قصه، ادبیات و هنر و نیز برخی ویژگی‌های رایج در جبهه اختصاص دارند. این دسته آثار علاوه بر ناشران خصوصی اندک، عمدتاً به وسیله نهادهای رسمی چون دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان‌های وابسته به سپاه پاسداران انتشار یافته است.

اگر چه این آثار، مکمل بسیار خوبی برای آثار دسته اول

نتایج فعالیت‌ها در یک کل یکپارچه و واحد تجلی پیدا کند، به علاوه آنکه با توجه به ویژگی فرهنگ‌ها، گاه نبود هدف و برنامه مشترک، اجزای فرهنگ‌ها یا نتایج آنها را در تقابل و تعارض هم قرار می‌دهد.

وجود طرح و برنامه‌های راهبردی در تعیین، اهداف و تقسیم کار میان نهادها برای دستیابی به آن اهداف بسیار مؤثر و کارساز است.

چالش دوم: نبود پژوهش‌های اجتماعی در جنگ ایران و عراق
برای دستیابی به طرح و برنامه‌ای راهبردی با هدف گسترش یک فرهنگ خاص، پژوهش‌های اجتماعی در چند زمینه از اهمیت خاص برخوردار می‌شوند. یکی از زمینه‌ها، بررسی موقعیت مشابهی است که در آن فرهنگ خاص هدف، تجلی پیدا کرده و موجب رفتار در فرد یا افراد شده است؛ بدین خاطر پژوهش با ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و روانی با توجه به برخی چالش‌های گروه اول که پیش از این شمرده شد، درباره جنگ ایران و عراق می‌تواند در تدوین یک راهبرد فرهنگی در این خصوص اثربخش باشد؛ آیا چنین پژوهش‌هایی انجام شده است و آیا نتایج آن در جایی منتشر شده است؟

چالش سوم: نبود تاریخ نگاره‌ای با ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی

آیا تاریخی با ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی درباره جنگ ایران و عراق نگاشته شده است که بتوان آن را "خواند"، کنکاش کرد و به "شناخت" برای آینده دست یافت؟ در صورت وجود این‌گونه تاریخ نگاشته‌ای (که چنین نیست) آیا می‌توان از آن الگویی راهبردی و کاربردی برای تعریف فرهنگ دفاع و گسترش آن در جامعه استخراج کرد؟

متونی که درباره جنگ ایران و عراق نوشته شده‌اند، به سه

جنگ ایران و عراق اظهار داشت در انتخاب کتاب برتر، نتوانسته‌اند کتابی را در رشته "زندگی‌نامه سرداران شهید" برگزینند چرا که آنان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زندگی‌نامه نویسی را رعایت نکرده و به علاوه (که اکنون مورد تأکید است) در الگوهی از ویژگی‌های شخصیت و رفتار شهیدان ناتوان بوده‌اند.^{۱۸}

چالش چهارم: قدسی دانستن جنگ ایران و عراق

با توجه به تعریف دفاع در اصطلاح فقهی، می‌توان جهاد و جهاد دفاعی را مقدس دانست نه از جنس قدسی دانستن باری تعالی بلکه از این منظر که او می‌پسندد، اما در هر صورت این ناظر بر بخش "دفاع کردن" در هر جنگی می‌باشد، لذا نباید تمامی رخدادها و پیامدهای ناشی از پدیده‌ای چون جنگ ایران را قدسی دانست. این بدان معناست که جنگ ایران و عراق به خودی خود دارای تقدس نیست، بلکه دفاع و ارزش‌های تجلی یافته در آن می‌توانند ارزش قدسی بیابند. باور اینکه جنگ ایران و عراق پدیده‌ای است اجتماعی، اولین گام در تدوین دادگرایانه تاریخ‌نگاره‌های فرهنگی و اجتماعی (با مؤلفه‌هایی که پیش از این برشمردیم) و نیز پژوهش و کاوش‌های دقیق و درستکارانه اجتماعی خواهد بود. چنین باوری ما را در ثبت آنچه الگویی واقعی و درست برای موقعیت‌های مشابه در آینده ارائه می‌دهد، یاری خواهد کرد. حقیقت این است که حضور مردم در دفاع به صورت‌های مختلفی همچون اعزام به جبهه، کمک‌های مالی و پشتیبانی، مشارکت تبلیغی و فرهنگی، حمایت‌های سیاسی و جلوه‌هایی از این دست، دارای فراز و نشیب بوده است، قطعاً توجه و بررسی فراز و نشیب‌های حضور مردم در دفاع همان قدر برای "درس‌آموزی و تجربه" مفید است که توجه به فرازهای حضور آنان.

مقدس دانستن جنگ ایران و عراق، بازداشتن دلسوزان و دادگرایان پژوهشگر از به دست آوردن الگویی برای "فرهنگ دفاع" است، فرهنگی که فراز و نشیب، شکست و پیروزی، جزء جدانشدنی از آن هستند.

چنین چالشی در سخن يك کارشناس سیاسی جنگ ایران و عراق به خوبی خلاصه شده است: "کاربرد واژه دفاع به جای جنگ و اتصاف آن به صفت مقدس، بیانگر آن است که هنگام صحبت درباره این جنگ، حق نداریم از حد حماسه و پیروزی

در داشتن داده‌های اولیه هستند اما به دو دلیل نمی‌توان آن را تاریخ‌نگاره‌هایی با ویژگی‌های "فرهنگ" برای الگوهی تلقی کرد:

الف) به‌طور مشخص و آشکار با هدف ثبت عناصر، ترکیبات و شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی نگاشته نشده‌اند، لذا در پژوهش‌ها می‌باید از این دسته آثار، مؤلفه‌هایی استخراج کرد.

ب) از نظر محدوده اقلیمی و نیز انسانی، بیشتر محدود به جبهه‌ها و رزمندگان حاضر در آن می‌باشند و به ندرت می‌توان در آنها آثاری یافت که حضور و فرهنگ مردمان را در پشت جبهه و شهرها و روستاها تصویر کرده باشند. شاید بتوان مصاحبه با خانواده شهیدان را استثنایی در این آثار دانست که البته فاقد آن مؤلفه‌ها هستند.

در هر حال استخراج مؤلفه‌های فرهنگی دفاع مردم ایران در طول ۸ سال مقاومت از چنین آثار سه‌گانه‌ای مستلزم پژوهش‌های اجتماعی با روش اکتشافی و تاریخی است.

در این حال جای آثار شفاهی یا مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی که از طریق مصاحبه‌ها تهیه می‌شود نیز خالی است. به اعتقاد نویسنده این مقاله، اگر تاریخ‌نگاری رخدادها و پدیده‌های اجتماعی (در مبحث جنگ ایران و عراق) در همه وجوه خود (سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) فاقد ویژگی‌هایی باشد که نتوان از آن "درس تجربه" گرفت و بهره کارکردی برد و صرفاً تاریخ برای تاریخ نگاشته شده باشد، مکتوبی است که در پس همان تاریخ "نادیدنی" خواهد شد.

برای نمونه اشاره می‌شود که یکی از کارشناسان فرهنگی

دفاع مردم ایران در جنگ هشت ساله با عراق چه ویژگی‌ها، عناصر، شاخص‌ها و نمادهایی داشت که شناخت از آنها می‌تواند الگویی برای فرهنگ دفاع در مقابله با هر حمله و تهاجمی فراهم کند؟

پایین تر بیابیم.^{۱۹}

چالش پنجم و پایانی: پایان نمادهای دفاع مقدس

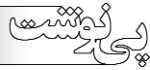
برای انتقال فرهنگ دفاع به نسل‌های آینده چه باید کرد، هنگامی که رزمندگان دیروز و شاهدان امروز، بالاخره روزی حتی پدربزرگ هم نخواهند بود و از مرز دنیا به عالم آخرت گذشته‌اند؟

برای روزی که نتوان جسم مبارک شهیدی را از زیر خاک‌های آوردگاه‌های بزرگ بیرون آورد و مفتخر به تشییع آن شد، چه باید کرد؟

مردمی که در دفاع مقدس شرکت نکردند اما تجربه‌ی زندگی در جنگ ایران و عراق را داشته‌اند حتی به عنوان توصیف‌کنندگان زنده آن رخداد باقی نمی‌مانند، برای آن روز چه باید کرد؟

می‌توان گفت نمادهای دفاع مقدس پایان یافتنی نیستند، اما فرهنگی را که چنین نمادهایی زاینده آن هستند چگونه باید ماندگار و پایسته کرد؟

بدان امید که تصمیم‌گیران، تصمیمی جدی درباره شناخت فرهنگ دفاع و عناصر، ترکیب، شاخص‌ها و نمادهای آن گرفته، به ابزارهایی دست یابند که در ساری و جاری کردن چنین فرهنگی در آحاد مردم این نسل و نسل‌های دیگر کارساز و مفید باشد.



۱- نگاه کنید به کتابچه "فرهنگ عمومی، دیدگاه‌ها و تأملات"، مجموعه گفتگو با ده تن از کارشناسان فرهنگی کشور که به وسیله اداره کل پژوهش‌های سیما در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.

۲- نادر افشار نادری، مقاله مقدمه‌ای بر فرهنگ و شخصیت، به نقل از کتاب *The Origins of caltar* نوشته تالیور، از کتاب گزیده مقالات مجله فرهنگ و زندگی، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶.

۳- پیتر می‌یر، جامعه‌شناس جنگ و ارتش، ترجمه علیزاده ازغندی و محمداصدق مهدوی، انتشارات قومس، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ص ۱۸ و ۱۹.

۴- همان.

۵- بوروفسکی (استاد مردم‌شناسی امریکایی)، مقاله امکانات فرهنگی، کتاب گزارش جهانی فرهنگ در سال ۱۹۹۸، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۹، ص ۹۳ و ۹۴.

۶- همان به نقل از کرتس Greets در ۱۹۹۵.

۷- اسماعیل منصوری لاریجانی، سیری در اندیشه دفاعی امام خمینی، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۷، ص ۹۶.

۸- مطالب اقتباس و تطبیقی است با استفاده از مقاله امکانات فرهنگی نوشته رابرت بروفسکی، صفحه ۹۳.

۹- مأخذ ۵، ص ۹۷.

۱۰- محمود روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، ۱۳۶۵، تهران، ص ۲۷.

۱۱- همان، ص ۲۵.

۱۲- مأخذ ۵ ص ۹۷.

۱۳- مأخذ ۷.

۱۴- اقتباس از مأخذ ۵.

۱۵- اصغر افتخاری، ناامنی جهانی: بررسی چهره دوم جهانی شدن، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۱۵ و ۱۶.

۱۶- نظام فرهنگی، کارکردها و دگرگونی‌ها، محمدحسین پناهی، فصل‌نامه پژوهش ویژه تهاجم فرهنگی، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد اسلامی، سال اول، جلد ۲ و ۳، زمستان ۱۳۷۵، ص ۹۹ تا ۱۰۱.

۱۷- شهرها، فرهنگ و جهانی شدن، نوشته الیزابت ژلین، گزارش جهانی فرهنگ ۱۹۹۸، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۱۸- گفت‌وگوی دوستانه با فروغی جهرمی از کارشناسان فرهنگی و ادبیات جنگ ایران و عراق.

۱۹- هادی نخعی، گفت‌وگو با راویان جنگ، فصلنامه نگین (تاریخ و تاریخ‌نگاری جنگ) شماره ۱۳ تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۷.